



بررسی چالش‌های فقهی - اجتماعی نهاد خانواده در دوران معاصر با تأکید بر تحولات پس از انقلاب اسلامی

دینا حکاک^۱
اصغر عربیان^{۲*}
محمدجواد جاوید^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰

چکیده

نهاد خانواده به عنوان بنیادی‌ترین رکن اجتماعی در جوامع مختلف، نقش بی‌بدیلی در تداوم ارزش‌ها، هنجارها و تربیت نسل آینده ایفا می‌کند. هدف این پژوهش، بررسی چالش‌های فقهی - اجتماعی نهاد خانواده، به منظور ارائه راهکارهایی فقهی و اجتماعی در راستای تقویت و پایداری خانواده در جامعه معاصر است. پژوهش حاضر از منابع مکتوب و متون مرتبط بهره گرفته و با روش تحلیلی استنتاجی، بر مبنای تغییرات اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب، به مسائل و اختلافات فقهی در حوزه حقوق خانواده پرداخته و نقش اجتهاد پویا در حل این مسائل را برجسته ساخته است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد نهاد خانواده پس از انقلاب اسلامی ایران با تحولات گسترده‌ای در حوزه‌های اجتماعی، حقوقی و فرهنگی از یک سو با تلاش برای تقویت جایگاه خانواده بر اساس اصول اسلامی همراه بود و از سوی دیگر تحت تأثیر تغییرات اجتماعی، اقتصادی و جهانی قرار گرفت. این زمینه‌ها و تحولات مختلف، موجب شد که خانواده‌های ایرانی در مواجهه با چالش‌های جدیدی چون تغییر در نقش‌های جنسیتی، افزایش نرخ طلاق، کاهش تمایل به ازدواج و تأثیرات فرهنگ جهانی قرار گیرند که نیاز به بازنگری و تطبیق قوانین و سیاست‌های اجتماعی با واقعیت‌های کنونی جامعه را به منظور حفظ و تقویت نهاد خانواده تشدید می‌کند. راهکارهای فقهی برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی نهاد خانواده نیازمند یک رویکرد جامع و همسو با تحولات اجتماعی است. با

^۱ دانشجوی دکترای تخصصی رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): a.arabian42@gmail.com

^۳ استاد گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ارتقای آگاهی، بازنگری در احکام فقهی، حمایت از حقوق زنان و کودکان، و ترویج فرهنگ خانواده‌محوری، می‌توان به تقویت نهاد خانواده در جامعه کمک کرد. اجرای این راهکارها به نیازهای اجتماعی و فرهنگی پاسخ می‌دهد و می‌تواند بهبود و پایداری نهاد خانواده را در دوران معاصر به دنبال داشته باشد.

واژگان کلیدی: خانواده، فقه و حقوق اسلامی، زن، انقلاب اسلامی، تغییرات اجتماعی.

۱- مقدمه

تمامی آنان که در باب سازمان جامعه اندیشیده اند، همه مصلحین، حتی رویاگران و آنان که به ناکجاآباد روی کردند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید ورزیده اند. (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۱۱). نهاد خانواده به عنوان بنیادی‌ترین رکن اجتماعی در جوامع مختلف، نقش بی‌بدیلی در تداوم ارزش‌ها، هنجارها و تربیت نسل آینده ایفا می‌کند. بر اساس بند ۳ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، «خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود.» (صفایی - امامی، ۱۳۹۶، ۱۸). رسول گرامی اسلام درباره مقام والای پیوند مقدس هیچ بنایی در اسلام را محبوب تر از تشکیل خانواده (ازدواج) نمی‌داند. (مجلسی، ۱۹۸۳، م، ۱۰۰/ ۲۲۲).

در طول تاریخ نهاد خانواده تغییرات مهم ساختاری را سپری کرده است که تأثیرات عمیقی بر حقوق اعضای آن شامل زن و شوهر و فرزندان (دختر و پسر) گذاشته است. پس از ظهور اسلام در ایران، خانواده ایرانی دچار تحولی عمیق از بعد ساختار و به تبع آن حقوق اعضای خانواده شد. در جامعه اسلامی ایران، خانواده نه تنها یک ساختار اجتماعی بلکه نهادی است که از اصول و قواعد دینی و فقهی تأثیر می‌پذیرد. پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، با توجه به تأکید حکومت بر اصول اسلامی، نهاد خانواده در ایران شاهد تحولات گسترده‌ای از جنبه‌های اجتماعی، حقوقی و فقهی بوده است. این تحولات از یک سو ناشی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی دوران معاصر و از سوی دیگر متأثر از بازخوانی و بازتعریف مفاهیم فقهی در چارچوب جامعه اسلامی است. این تحولات به دنبال خود چالش‌های جدی در حقوق خانواده ایجاد نموده است.

بر اساس معنای لغوی "چالش" و نیز برخی عناصر معنایی متبادر از کاربرد این واژه در ادبیات اجتماعی امروز، "چالش شرایط و وضعیت جدیدی است که مسیر آینده جامعه را مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت ساز می‌سازد" (ذوعلم، ۱۳۸۴: ۳۶). بر اساس تعریف چالش، چالش‌های فقهی - حقوقی خانواده،

حاصل شرایط و وضعیت جدیدی ناشی از تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است، طوری که اعضای خانواده در استیفای حقوق خود با مشکلات و مسایلی مواجه می‌شوند. بر این اساس حفظ دوباره تعادل در مسیر استیفای حقوقی اعضای خانواده نیازمند تلاش و کوشش سیاستگذاران حقوقی کشور است.

با وجود آنکه تلاش‌های فراوانی برای تقویت جایگاه خانواده در چارچوب نظام اسلامی صورت گرفته است، نهاد خانواده با چالش‌های متعددی مواجه شده که بخشی از آن‌ها به تغییرات اجتماعی و فرهنگی جهانی بازمی‌گردد و بخش دیگر از مسائل و اختلافات درون‌فقهی ناشی می‌شود. تحولات اجتماعی نظیر تغییر در نقش‌های جنسیتی، تغییرات در ساختارهای اقتصادی و فرهنگی، افزایش طلاق و کاهش نرخ ازدواج، همراه با پرسش‌های جدید در حوزه حقوق خانواده، موجب شده که این نهاد از زوایای مختلف با چالش‌هایی روبرو شود که نیازمند بازبینی و ارائه راهکارهای نوین بر مبنای فقه اسلامی است.

این مقاله با هدف بررسی چالش‌های فقهی و اجتماعی نهاد خانواده پس از انقلاب اسلامی، به دنبال تبیین مسائلی است که خانواده ایرانی با آن‌ها مواجه شده است. همچنین تلاش می‌کند با بررسی دقیق این چالش‌ها، راهکارهایی فقهی و اجتماعی برای تقویت و پایداری خانواده در جامعه معاصر ارائه دهد.

پژوهش حاضر از منابع مکتوب و متون مرتبط بهره گرفته و با روش تحلیلی استنتاجی، بر مبنای تغییرات اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب، به مسائل و اختلافات فقهی در حوزه حقوق خانواده پرداخته و نقش اجتهاد پویا در حل این مسائل را برجسته ساخته است.

در نهایت، این مطالعه تلاش دارد تا همگرایی بین فقه و تحولات اجتماعی را در راستای حفظ نهاد خانواده تقویت کند و به سیاست‌گذاران و مراجع فقهی پیشنهادهایی برای مواجهه با چالش‌های معاصر ارائه دهد.

۲- تاریخچه و زمینه‌های تحولات نهاد خانواده پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نهاد خانواده به عنوان یکی از ارکان مهم جامعه در کانون توجه نظام جدید قرار گرفت. انقلاب اسلامی با شعار بازگشت به ارزش‌ها و اصول اسلامی، تغییرات عمیقی در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران ایجاد کرد. در این میان، نهاد خانواده به دلیل پیوند نزدیک آن با آموزه‌های اسلامی، بیشترین تأثیر را از این

تحولات پذیرفت. سیاست‌های پس از انقلاب در زمینه تقویت ارزش‌های خانوادگی و حمایت از نهاد خانواده با هدف تقویت فرهنگ اسلامی و مقابله با ارزش‌های غربی به اجرا درآمد.

۱-۲. جایگاه خانواده در جامعه اسلامی پیش از انقلاب

قبل از انقلاب اسلامی، خانواده در ایران دارای ساختارهای سنتی بود و نقش‌های جنسیتی به شکل واضح و تعریف‌شده‌ای در جامعه عمل می‌کردند. درباره وضعیت خانواده در دوران باستان نگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی مورخان از وضعیت اجتماعی دوران شاهنشاهی قبل از اسلام دفاع می‌کنند و حقوق بشری که خانواده نیز جزئی از آن است را بخش مترقی تمدن ایران باستان می‌دانند، اما آیت الله مطهری در ذم روابط خانوادگی ایرانیان پیش از اسلام از رسومی نقل می‌کند که بعد از اسلام کراهت یافتند. وی همچنین از رسوم چندزنی، حرمسرداری و مردسالاری دوران ساسانیان که بعد از اسلام محدود شد به کنایات فراوان انتقاد می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۶: ۲۹۳). خانواده سنتی بعد از اسلام در ایران، پدرتباری، پدرمکانی و پدرسالاری بود. (بهنام، ۱۳۵۶: ۱۳). مرد به عنوان سرپرست خانواده و تأمین‌کننده مالی شناخته می‌شد و زن به عنوان مدیر خانه و تربیت‌کننده فرزندان. اما در دهه‌های منتهی به انقلاب، به ویژه در دوران پهلوی دوم، با افزایش روند نوسازی و غرب‌گرایی، تغییراتی در ساختار و نقش‌های خانوادگی مشاهده شد. آموزش و اشتغال زنان و افزایش نرخ شهرنشینی از جمله عواملی بودند که به تدریج تأثیرات خود را بر خانواده‌های ایرانی برجای گذاشتند و موجب بازتعریف نقش‌های جنسیتی در خانواده‌ها شدند.

۲-۲. تحولات پس از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب، سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی کشور بر اساس ایدئولوژی اسلامی بازتعریف شد. دولت جدید با هدف احیای اصول اسلامی، اصلاحاتی را در زمینه‌های مختلف از جمله خانواده و حقوق زنان اعمال کرد.

بخش چشمگیری از اختلافات فکری - فرهنگی از آغاز درباره مسایل زنان پیش آمد. بارزترین آن، حجاب شرعی و اختلاط زن و مرد، دختر و پسر، سن ازدواج، تفاوت‌های زن و مرد مثلاً "در حق طلاق، قضا و سرپرستی خانواده و نیز موضوع سقط جنین و نظایر آن بود (میر سلیم، ۱۳۸۹: ۴۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی با تأکید بر اصول خانواده‌محور، خانواده را به عنوان واحد بنیادی جامعه اسلامی معرفی کرد و بر ضرورت حمایت دولت از این نهاد تأکید کرد.

۲-۳. تغییرات حقوقی در نهاد خانواده

یکی از مهم‌ترین تغییرات پس از انقلاب، بازنگری در قوانین خانواده بود. قانون حمایت خانواده که در دوران پهلوی تصویب شده بود، پس از انقلاب مورد بازنگری قرار گرفت تا با اصول فقهی و شرعی اسلامی سازگار شود. این تغییرات شامل مسائل حقوقی مانند طلاق، حضانت، نفقه، و مهریه بود که به مرور زمان با فقه اسلامی همسو شدند. از جمله اقدامات مهم در این حوزه، لغو برخی اصلاحات قانونی مربوط به حقوق زنان در دوره پهلوی و بازگشت به مبانی فقهی سنتی بود که نقش زنان را در خانواده محدودتر می‌کرد.

مجموعه ای از قوانین اسلامی نوین، زیربنای نظام حقوقی جدید در حمایت از ساختار خانواده ایرانی - اسلامی قرار گرفت. قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۴۶ که به زنان اجازه می‌داد تحت شرایط خاص درخواست طلاق کنند، غیرقانونی و تعدد زوجات، قانونی اعلام شد (میلانی، ۱۳۸۳: ۳۵۸).

۲-۴. سیاست‌های جمعیتی و تأثیر آن بر خانواده

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر نهاد خانواده در ایران پس از انقلاب، تغییر در سیاست‌های جمعیتی بود. در اوایل انقلاب، سیاست‌های تشویقی برای افزایش جمعیت مورد حمایت دولت قرار گرفت و خانواده‌های پرجمعیت به عنوان الگوی مطلوب شناخته شدند. اما از اواخر دهه ۱۳۶۰ و با شروع برنامه‌های توسعه اقتصادی، سیاست‌های جمعیتی کشور تغییر کرد و برنامه‌هایی برای کنترل جمعیت و کاهش نرخ زاد و ولد به اجرا درآمد. این تغییرات، تأثیرات چشم‌گیری بر ساختار خانواده‌ها گذاشت و به تدریج خانواده‌های هسته‌ای با تعداد فرزندان کمتر رایج‌تر شدند.

۲-۵. نقش زنان و تغییرات در ساختار خانواده

پس از انقلاب، سیاست‌های مختلفی برای ارتقای نقش زنان در اجتماع با تأکید بر حفظ ارزش‌های اسلامی اجرا شد. هرچند مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان پس از انقلاب افزایش یافت، اما چارچوب‌های قانونی و فقهی همچنان به گونه‌ای بود که اولویت اصلی زنان در خانواده و ایفای نقش مادری و همسری تعریف شد. این تناقض میان نیازهای اجتماعی و آموزه‌های سنتی فقهی، زمینه‌ساز برخی از چالش‌های اجتماعی شد که همچنان بر نهاد خانواده تأثیر می‌گذارند.

۲-۶. جهانی‌شدن و تأثیر فرهنگ جهانی بر خانواده‌های ایرانی

با ورود به دهه ۱۳۸۰ و گسترش فرآیند جهانی‌شدن، نهاد خانواده در ایران با چالش‌های جدیدی مواجه شد. فرهنگ جهانی و رسانه‌های بین‌المللی ارزش‌ها و الگوهای جدیدی را به خانواده‌های ایرانی معرفی کردند که با برخی از اصول فقهی و سنتی جامعه ایرانی در تضاد بود. این تغییرات، در کنار تحولات اقتصادی و فرهنگی داخلی، موجب تغییر در ساختارهای سنتی خانواده شد و به افزایش نرخ طلاق و کاهش ازدواج و فرزندآوری منجر گردید.

۲-۷. نتیجه‌گیری این بخش

در مجموع، نهاد خانواده پس از انقلاب اسلامی ایران با تحولات گسترده‌ای در حوزه‌های اجتماعی، حقوقی و فرهنگی روبرو شد. این تحولات از یک سو با تلاش برای تقویت جایگاه خانواده بر اساس اصول اسلامی همراه بود و از سوی دیگر تحت تأثیر تغییرات اجتماعی، اقتصادی و جهانی قرار گرفت. این زمینه‌ها و تحولات مختلف، موجب شد که خانواده‌های ایرانی در مواجهه با چالش‌های جدیدی قرار گیرند که نیاز به بازنگری و تطبیق قوانین و سیاست‌های اجتماعی با واقعیت‌های کنونی جامعه دارد.

۳- چالش‌های اجتماعی نهاد خانواده در دوران معاصر

نهاد خانواده در ایران، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، با چالش‌های اجتماعی متعددی مواجه بوده است. این چالش‌ها نتیجه تغییرات سریع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی و جهانی است که به تدریج بر ساختار و عملکرد خانواده‌های ایرانی تأثیر گذاشته‌اند. برخی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی که نهاد خانواده در دوران معاصر با آن‌ها روبروست، به شرح زیر است:

۳-۱. تغییر در نقش‌های جنسیتی

یکی از مهم‌ترین تغییرات اجتماعی که بر نهاد خانواده اثر گذاشته، تغییر در نقش‌های جنسیتی و انتظارات از مردان و زنان در خانواده است. در گذشته، نقش‌های جنسیتی به شکل سنتی تعریف شده بودند؛ مرد به عنوان نان‌آور اصلی خانواده و زن به عنوان مدیر خانه و تربیت‌کننده فرزندان شناخته می‌شد. اما در دهه‌های اخیر، به ویژه با افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان، نقش زنان در خارج از خانه پررنگ‌تر شده است.

این تغییرات، گرچه به ارتقای موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان کمک کرده است، اما در برخی موارد به ایجاد تنش‌ها و تعارضات خانوادگی منجر شده است. از یک سو، انتظارات اجتماعی از زنان برای ایفای نقش‌های خانوادگی همچنان پابرجاست و از سوی دیگر، نیازهای اقتصادی و اجتماعی، زنان را به سوی حضور بیشتر در بازار کار سوق داده است. این تعارض بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان می‌تواند به کاهش رضایت از زندگی خانوادگی و افزایش فشارهای روانی منجر شود.

از دیدگاه پژوهشگران، اعطای آزادی‌های بی حد و حصر برخی خانواده‌ها به فرزندان، اعتماد به جامعه برای جامعه‌پذیری نسل‌های نوپا، دور کردن فرزندان از محیط خانواده به دلیل اشتغال والدین و رها کردن خردسالان در مهدکودکها، از جمله مشکلاتی است که کارکرد خانواده‌ها را با چالش جدی مواجه کرده است (یزدانی و دوستی، ۱۳۹۴: ۸۶).

۲-۳. افزایش نرخ طلاق

یکی از برجسته‌ترین چالش‌های اجتماعی در نهاد خانواده در سال‌های اخیر، افزایش نرخ طلاق است. درحالی که عظمت خانواده و استحکام پیوندهای زناشویی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوران گذشته (موسوم به "عصر طلایی") تلقی می‌شد، خانواده معاصر دست خوش چنان تحولات بنیادین و عمیقی شد که در دوره جدید در قالب اصطلاحاتی همچون "عصر طلاق" و "انقلاب طلاق" توصیف شده است. تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر داده‌های سازمان ملل متحد به وضوح نشان می‌دهد میزان طلاق در ممالک جهان سوم از جمله ایران نیز افزایش درخور ملاحظه‌ای یافته است. به علاوه، خانواده معاصر با پدیده‌های نوظهوری (مانند خانواده تک‌والدی، خانواده تک‌فرزندی، بی‌فرزندی، زوج زیستی) مواجه شده است که غالباً ارتباط تنگاتنگی نیز با تشدید میزان طلاق دارند. به طور خلاصه، نوگرایی و مظاهر آن (به ویژه فردگرایی، صنعتی شدن، شهرنشینی) ریشه اصلی این تغییرات بنیادین خانواده معاصر است (فروتن، ۱۳۹۲: ۱۰۵-۱۲۹).

تغییرات فرهنگی و اقتصادی، فشارهای زندگی شهری، کاهش تحمل در روابط زناشویی و تغییر در ارزش‌های خانوادگی، همگی از عواملی هستند که موجب افزایش طلاق در جامعه ایرانی شده‌اند. آمارها نشان می‌دهند که نرخ طلاق به‌ویژه در مناطق شهری رو به افزایش است و این موضوع به یکی از نگرانی‌های مهم اجتماعی تبدیل شده است.

افزایش طلاق نه تنها به فروپاشی خانواده‌ها منجر می‌شود، بلکه پیامدهای گسترده‌ای نیز بر کودکان، روابط اجتماعی و هویت فردی افراد دارد. کودکان خانواده‌های طلاق‌گرفته بیشتر در

معرض مشکلات روانی و اجتماعی قرار می‌گیرند و نهاد خانواده به عنوان محل امن تربیت و رشد فرزندان، به واسطه این تغییرات ضعیف می‌شود.

در ایران علیرغم کنترل‌های رسمی و غیررسمی قابل توجهی که وجود دارد خبرهای متنوعی از خانواده‌های نوین شنیده می‌شود. خبرهایی که عمدتاً با تیتراهای همبازی، ازدواج سپید، ازدواج سیاه و امثال آن شنیده می‌شود. البته در ایران با توجه به جرم بودن برخی از خانواده‌های مذکور، عملاً امکان سنجش کمیت و کیفیت این خانواده‌ها به صورت رسمی و آکادمیک میسر نیست. همچنین بررسی متغیرهایی مانند نرخ ازدواج، طلاق (به ویژه طلاق توافقی)، فرزندآوری، میانگین سن ازدواج، خانواده‌های تک والد مانند زنان سرپرست خانوار، بیانگر تغییرات محسوس در شکل خانواده‌های ایرانی است. به طوری که به طور میانگین در نه ماهه سال ۹۴ از هر ۳،۴ ازدواج یک مورد به طلاق منجر شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این رقم در کلانشهرها بیشتر و حتی در جایی مانند شمیرانات تهران به ۵۷ طلاق از هر ۱۰۰ ازدواج بالغ شده است (تسنیم، ۱۳۹۴). اگرچه باتوجه به غیرقانونی بودن خانواده‌های غیرازدواجی آمار قابل استنادی از وجود یا کمیت انواع خانواده‌ها در دست نیست.

افزایش نرخ طلاق، موجب افزایش خانواده‌های غیر هسته‌ای در ایران شده است. در مواد ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قانون جدید "حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱" برای طلاق‌های توافقی تدابیری در نظر گرفته شد. با توجه به تبدیل شدن خانواده‌های طلاق به خانواده‌های یک والدی، یک نفره یا چندنسلی، به نظر می‌رسد فراوانی خانواده‌های غیرهسته‌ای سنتی به مرور افزایش خواهد یافت (یزدانی و دوستی، ۱۳۹۴: ۸۶-۸۵).

۳-۳. کاهش تمایل به ازدواج

در سال‌های اخیر، کاهش تمایل جوانان به ازدواج به یکی از چالش‌های مهم نهاد خانواده در ایران تبدیل شده است. عوامل اقتصادی همچون بیکاری، افزایش هزینه‌های زندگی، مسکن و تحصیلات، از جمله موانع اصلی در راه ازدواج جوانان محسوب می‌شوند. همچنین، تغییر در نگرش جوانان نسبت به ازدواج و اولویت یافتن مسائل فردی مانند تحصیل و کار نسبت به تشکیل خانواده، موجب شده که سن ازدواج افزایش یابد و نرخ ازدواج کاهش پیدا کند. این تغییر در الگوهای ازدواج، علاوه بر مشکلات جمعیتی مانند کاهش نرخ زاد و ولد، به تغییرات ساختاری در خانواده‌های ایرانی نیز منجر شده است. خانواده‌های هسته‌ای که زمانی با

فرزندان بیشتر شناخته می‌شدند، اکنون به خانواده‌هایی کوچک‌تر با تعداد فرزندان کمتر و حتی بدون فرزند تبدیل شده‌اند.

طی سه دهه ی گذشته در ایران سن ازدواج دختران به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. از منظر اجتماعی-جمعیتی، تأخیر در ازدواج و تغییر الگوهای زناشویی، پیامدها و الزامات سیاستی بسیاری دارد. تأخیر در ازدواج دختران طول دوره ی فرزندآوری و نیز طول نسل‌های بعد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر پایه ی نتایج بررسی، الگوی جغرافیایی و فرهنگی خاصی در تأخیر ازدواج دختران در ایران وجود دارد. تجربه تأخیر در ازدواج دختران در شهرستان‌های غربی کشور بیشتر از سایر مناطق ایران است. نتایج تحلیل‌های چندمتغیره نشان می‌دهد که نسبت تجرد مردان عدم تعادل در بازار ازدواج، استقلال زنان، میزان بیکاری مردان و درجه ی توسعه یافتگی شهرستان‌ها به ترتیب بیشترین تأثیر را در تبیین تأخیر در ازدواج دختران دارند. بنابراین، کاهش نابرابری توسعه‌ای و بهبود وضعیت اشتغال مردان می‌تواند در کاهش تأخیر ازدواج دختران مؤثر باشد. (حسنی، صادقی و رضایی، ۱۳۹۸: ۱۴۷-۱۷۲).

۳-۴. تغییرات در ساختار خانواده

یکی دیگر از چالش‌های اجتماعی مهم، تغییر در ساختار سنتی خانواده‌هاست. در گذشته، خانواده‌های گسترده شامل چندین نسل در کنار هم زندگی می‌کردند و تعاملات خانوادگی به شکل گسترده‌ای جریان داشت. اما در دوران معاصر، با افزایش شهرنشینی و تغییر در الگوهای مسکونی، خانواده‌های گسترده به تدریج جای خود را به خانواده‌های هسته‌ای داده‌اند که معمولاً شامل والدین و فرزندان می‌شوند. یکی دیگر از ابعاد تغییر ساختاری خانواده به قدرت مربوط می‌شود. ساختار قدرت در خانواده موضوع مهمی است که پایداری خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در دهه‌های اخیر تغییرات مختلفی در سطوح مختلف ملی و نیز در درون خانواده ایرانی به وقوع پیوسته و تأثیراتی در پایداری خانواده برجای گذاشته است. (جعفرزاده پور، ۱۴۰۰: ۱۰۹-۱۳۹).

این تغییر ساختاری، به کاهش حمایت‌های خانوادگی و کاهش تعاملات بین‌نسلی منجر شده است. در نتیجه، مشکلاتی همچون تنهایی سالمندان، کاهش حمایت‌های عاطفی و اجتماعی برای کودکان و کاهش همبستگی خانوادگی بیشتر دیده می‌شود.

۳-۵. چالش‌های اقتصادی

چالش‌های اقتصادی مانند بیکاری، تورم، کاهش قدرت خرید و مسکن، تاثیرات قابل توجهی بر پایداری خانواده‌ها دارد. فشارهای اقتصادی موجب شده است که بسیاری از خانواده‌ها نتوانند نیازهای اولیه خود را به درستی تامین کنند و این موضوع به تنش‌ها و درگیری‌های خانوادگی دامن زده است. علاوه بر این، بیکاری و عدم اطمینان شغلی، به ویژه در میان جوانان، منجر به کاهش تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده شده است.

۳-۶. تاثیرات فرهنگی و جهانی شدن

فرآیند جهانی شدن و نفوذ فرهنگ‌های خارجی نیز به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر نهاد خانواده در ایران مطرح است. ارزش‌ها و الگوهای جدید زندگی که از طریق رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی به خانواده‌های ایرانی منتقل می‌شود، به تدریج باعث تغییر در رفتارها و نگرش‌های افراد نسبت به خانواده، ازدواج و نقش‌های جنسیتی شده است. این تغییرات در بسیاری موارد با ارزش‌های سنتی و دینی در تضاد بوده و به ایجاد تعارضات فرهنگی در خانواده‌ها منجر شده است.

در این میان، جهانی شدن حقوق نیز بر چالش‌های مربوطه و پیچیدگی‌های آن افزوده است. در نظام حقوق داخلی موانعی نظیر اصالت دادن به نسبت گرایبی فرهنگی و طرفداری از فرهنگ و نظام خاص حقوقی مانعی در نفوذ قوانین و مقررات بین المللی بر عرصه حقوق داخلی می‌باشد. نظام‌های حقوق داخلی در مقابل پاره ای از ارزش‌ها و هنجارهای بین المللی چاره ای جز فروآوردن سر تسلیم ندارند و در مقابل دسته ای دیگر حق الحاق و پیوستن به معاهده خاص را دارند (قاسمی، پورخاقان شاهرضایی و رئیس، ۱۴۰۱: ۱۵۱-۱۷۱).

۳-۷. فردگرایی و کاهش همبستگی خانوادگی

روند رو به افزایش فردگرایی در جامعه، به ویژه در میان جوانان، نیز یکی از چالش‌های مهم نهاد خانواده در دوران معاصر محسوب می‌شود. تمایل به استقلال فردی، افزایش تحصیلات، و تمرکز بر نیازهای شخصی، موجب شده است که پیوندهای خانوادگی کمرنگ‌تر شود و همبستگی خانوادگی کاهش یابد. این مسئله به ویژه در روابط میان والدین و فرزندان و همچنین در ارتباط با نسل‌های پیشین (مثل پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها) مشهود است.

۳-۸. چالش‌های مربوط به تکنولوژی و فضای مجازی

با پیشرفت تکنولوژی و گسترش استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، خانواده‌ها با چالش‌های جدیدی در زمینه ارتباطات مواجه شده‌اند. فضای مجازی در جایگاه یک رسانه و عضو جدایی ناپذیر خانواده‌ها، از نظر اخلاقی دارای کارکردی دوگانه است و براساس قوت و ضعف آگاهی اعضای خانواده در استفاده از آن، می‌تواند بستر شکل‌گیری فضائل یا ردائل اخلاقی شود. آسیب‌های ناشی از استفاده نادرست از فضای مجازی از دستیابی به اهدافی که برای تشکیل نهاد خانواده تعریف شده است، جلوگیری می‌کند (رحمتی، ۱۳۹۶: ۱۱-۳۶).

استفاده بیش از حد از فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی، به کاهش تعاملات چهره به چهره در خانواده‌ها منجر شده است. در برخی موارد، این مسئله حتی باعث کاهش توجه والدین به تربیت فرزندان و افزایش شکاف میان نسل‌ها شده است. همچنین، محتوای موجود در فضای مجازی که اغلب با ارزش‌های دینی و فرهنگی مغایرت دارد، تأثیرات منفی بر جوانان و خانواده‌ها گذاشته است.

۳-۹. نتیجه‌گیری این بخش

چالش‌های اجتماعی که نهاد خانواده در دوران معاصر با آن‌ها روبروست، نشان‌دهنده تغییرات گسترده در ساختار و عملکرد این نهاد است. تغییر در نقش‌های جنسیتی، افزایش نرخ طلاق، کاهش تمایل به ازدواج و تأثیرات فرهنگ جهانی، همگی نشانه‌هایی از روند پیچیده‌ای هستند که خانواده‌های ایرانی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. به منظور حفظ و تقویت نهاد خانواده در چنین شرایطی، نیازمند راهکارهای جامع و همسو با تحولات اجتماعی هستیم که بتواند این چالش‌ها را به نحو موثری مدیریت کند.

از این رو، برخی از فعالان حقوق زن و حقوقدانان بر لزوم اصلاح و بازنگری در قوانین فقهی مربوط به طلاق تأکید دارند تا زنان بتوانند در شرایط دشوار، به راحتی حق طلاق داشته باشند.

۴- چالش‌های فقهی نهاد خانواده در دوران معاصر

نهاد خانواده در ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، بر مبنای اصول و احکام فقه اسلامی شکل گرفته و هدایت می‌شود. با این حال، تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که در دهه‌های اخیر رخ داده‌اند، چالش‌های جدیدی را در حوزه خانواده ایجاد کرده‌اند که برخی از آن‌ها از منظر فقهی

مورد مناقشه یا بازنگری قرار گرفته‌اند. در این بخش به چالش‌های فقهی مهمی که نهاد خانواده در دوران معاصر با آن‌ها روبروست، پرداخته می‌شود.

۴-۱. مسئله حضانت فرزندان

یکی از چالش‌های فقهی مهم در نهاد خانواده، موضوع حضانت فرزندان پس از طلاق است. در فقه اسلامی، حضانت فرزندان تا سنین خاصی به مادر و سپس به پدر تعلق می‌گیرد. طبق قواعد فقهی، حضانت دختران تا سن ۷ سالگی و پسران تا ۲ سالگی با مادر است و بعد از آن حضانت به پدر منتقل می‌شود. با این حال، این قاعده در بسیاری از موارد با نیازهای روانی و عاطفی کودک و همچنین شرایط خاص خانوادگی تطابق ندارد.

نتایج مقایسه‌ی سلامت روانی فرزندان و مادرانی که حضانت فرزندان شان را دارند با فرزندان و مادرانی که حضانت فرزندان شان از آن‌ها سلب شده است، نشان می‌دهد که بین سلامت روانی مادرانی که حضانت فرزندانشان را به عهده دارند با مادرانی که حضانت فرزندان شان از آنها سلب شده است، به استثنای خرده مقیاس کنش اجتماعی، تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین بین سلامت روانی فرزندان که حضانت آنها بر عهده‌ی مادران شان است با فرزندان که حضانت آنها از مادران شان سلب شده، تفاوت معناداری وجود دارد. (حسینیان، ۱۳۸۲: ۱۵۳-۱۶۸).

در سال‌های اخیر، بسیاری از حقوقدانان و فعالان حقوق کودک معتقدند که تصمیم‌گیری درباره حضانت باید بیشتر بر مبنای منافع عالی کودک باشد تا قوانین خشک و سخت فقهی. این چالش، از یک سو به نقش مادر در تربیت فرزندان و از سوی دیگر به حق پدر بر حضانت پس از سن معین بازمی‌گردد. از این رو، نیاز به بازنگری در این مسئله از منظر فقهی و اجتماعی احساس می‌شود.

۴-۲. حقوق زنان در خانواده

حقوق زنان در نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین مباحث فقهی است که همواره مورد بحث و مناقشه بوده است. در فقه اسلامی، زن و مرد هر کدام وظایف و حقوق خاصی در زندگی زناشویی دارند. با این حال، برخی از این حقوق و وظایف در دوران معاصر با چالش‌های مهمی مواجه شده است. تبعیض جنسیت از چالش‌های حقوق خانواده است که با وجود تدوین مقررات داخلی و خارجی مقررات، کمتر به حل و توجیه عدم تبعیض در جنسیت در حقوق اسلام نایل گشته ایم. در فقه

اسلام جایگاه خانواده و منزلت والای آن با توجه به اصول عدالت، حکمت، فطرت و مصلحت، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. با وجود اینکه این دو مهم در بسیاری موارد با یکدیگر دارای تشابه هستند اما لازمه ی برطرف نمودن اختلافات کنوانسیون مربوطه و فقه اسلام در حقوق خانواده تغییر مبانی و نگرش‌های این دو است که بنظر می‌رسد دست یافتنی نباشد. (اخلاق پسند، ابن تراب و سجادی، ۱۴۰۰: ۸۳-۱۰۴).

یکی از مسائل چالش برانگیز، موضوع نفقه است. در فقه اسلامی، مرد موظف است نفقه زن را تامین کند، حتی اگر زن درآمد مستقل داشته باشد. با توجه به افزایش حضور زنان در بازار کار و کسب درآمد، این مسئله به بحثی جدید تبدیل شده که آیا زنان باید همچنان نفقه بگیرند، حتی اگر از نظر مالی مستقل باشند؟ همچنین برخی از زنان معتقدند که قوانین نفقه در برخی موارد ناعادلانه و نامتناسب با وضعیت امروزی جامعه است و نیازمند اصلاح و بازنگری است.

۳-۴. مسئله مهریه

مهریه به عنوان یک حق مالی که به زن تعلق می‌گیرد، یکی از موضوعات بحث برانگیز فقهی و حقوقی در جامعه معاصر است. در گذشته، مهریه به عنوان نوعی پشتوانه مالی برای زن در نظر گرفته می‌شد، اما در سال‌های اخیر این مسئله دچار تغییراتی شده است. در بسیاری از موارد، مهریه‌های سنگین تعیین می‌شود که گاهی منجر به مشکلات و اختلافات جدی در زندگی زناشویی می‌گردد.

از منظر فقهی، مهریه حق زن است و مرد باید در صورت مطالبه، آن را پرداخت کند. اما در عمل، تعیین مهریه‌های سنگین و عدم توانایی مردان در پرداخت آن‌ها به مسئله‌ای اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده است. این موضوع به طور مستقیم بر روابط خانوادگی تاثیر گذاشته و حتی به یکی از عوامل افزایش طلاق تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، برخی از مراجع و صاحب‌نظران فقهی بر لزوم تعیین مهریه‌های معقول و متناسب با وضعیت اقتصادی جامعه تأکید داشته‌اند، اما همچنان نیاز به بازنگری و بحث‌های بیشتری در این زمینه وجود دارد.

۴-۴. تعدد زوجات

تعدد زوجات در فقه اسلامی به عنوان یک امر مجاز شناخته می‌شود. مرد مسلمان می‌تواند تا چهار زن بگیرد، مشروط بر اینکه عدالت را میان آن‌ها رعایت کند. با این حال، در دوران معاصر

این مسئله به یک چالش جدی تبدیل شده است. بسیاری از زنان و حتی مردان، تعدد زوجات را به عنوان یک چالش اخلاقی و اجتماعی می‌بینند که با شرایط کنونی جامعه سازگاری ندارد. در حالی که از منظر فقهی تعدد زوجات مجاز است، اما برخی از مراجع فقهی و حقوقدانان بر این باورند که شرایط کنونی جامعه، به‌ویژه با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، نیازمند رویکردهای جدیدتری در این زمینه است. همچنین مسئله عدالت در تعدد زوجات نیز مورد بحث است و بسیاری از موارد نشان می‌دهد که رعایت عدالت میان همسران بسیار دشوار و گاهی غیرممکن است.

ازدواج مجدد مرد به عنوان حقی مستقل یا ضمانت اجرای تمکین زوجه، یکی از مسایل حوزه ی حقوق خانواده است. قبل از تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، قانون سال ۱۳۵۳ بر این موضوع حاکم بود و تحت شرایطی آن را مجاز می‌دانست. در قانون سال ۱۳۹۱ مقررات مربوط به ازدواج مجدد در متن لایحه ی پیشنهادی وجود داشت و با توجه به اعتراض هایی که به آن شد از متن نهایی قانون حذف شد. (احمدی فر و کاکاوند، ۱۴۰۰: ۲۳۵-۲۵۵).

۴-۵. طلاق و حق طلاق زنان

موضوع طلاق یکی دیگر از چالش‌های فقهی مهم در نهاد خانواده است. طبق فقه اسلامی، حق طلاق به‌طور پیش‌فرض در اختیار مرد است و زن تنها در موارد خاصی می‌تواند درخواست طلاق کند. این محدودیت‌ها در دوران معاصر، به‌ویژه با افزایش مشکلات زناشویی و تغییرات اجتماعی، به یکی از مسائل مورد بحث تبدیل شده است.

نگرش اصیل به احکام قرآن کریم راجع به زن و مرد، گاه معرفت دینی متفاوتی را نسبت به گذشته نشان می‌دهد. در حقوق اسلام غالباً به اصل تساوی حقوق زن و مرد اعتقاد دارند؛ ولی، در موضوع طلاق نظریه مشهور آن است که به دلیل تفاوت‌های زن و مرد از حیث خلقت، طلاق اصولاً با مرد است. اما برخی معتقدند از مدت‌ها پیش، زن حق طلاق داشته است و موجبات طلاق به درخواست زن یا توافق زوجین در واقع شناسایی حق طلاق قانونی یا قراردادی برای زوجه است. پذیرش نظریه وجوب طلاق خلع و مبارات بر مرد و خارج کردن خلع و مبارات از اقسام طلاق و تحقق آن با اراده یکجانبه زن موید این ادعاست. باید فراتر رفت و «امساک بمعروف او تسریح باحسان» را تفسیر نوی کرد: وقتی مرد نتواند به نیکی با زن رفتار کند، طلاق زن بر او واجب است و زن متقابلاً حق طلاق می‌یابد و اصلتاً می‌تواند اجرای آن را از دادگاه

بخواهد. تفسیری که با مقررات حقوق بشری در زمینه رفع تبعیض علیه زنان سازگار است. (عابدی و امینی، ۱۴۰۰: ۲۱۷-۲۳۴).

در سال‌های اخیر، با توجه به افزایش موارد طلاق و تغییرات در روابط زناشویی، بسیاری از زنان از محدودیت‌های فقهی مربوط به حق طلاق ناراضی بوده‌اند. این مسئله به‌ویژه در مواردی که زن تحت فشار یا آسیب‌های روانی و جسمی قرار می‌گیرد، نمود بیشتری پیدا می‌کند.

۴-۶. مسئله خروج از منزل و اشتغال زنان

یکی دیگر از چالش‌های فقهی در نهاد خانواده، مسئله خروج زنان از منزل و اشتغال آن‌ها است. در فقه اسلامی، زن برای خروج از منزل نیاز به اجازه همسر دارد، مگر اینکه در هنگام عقد ازدواج این حق به او واگذار شده باشد. با توجه به تغییرات اجتماعی و افزایش حضور زنان در جامعه و بازار کار، این مسئله به یکی از چالش‌های جدی در خانواده‌ها تبدیل شده است.

اشتغال در جوامع کنونی بی شک از مسایل دغدغه‌انگیز بوده و ارتباط تنگاتنگی با معیشت و مسایل خانوادگی افراد داشته و از اهم امور به حساب می‌آید. نقش زن فقط مادری و همسری نبوده، بلکه با انجام این دو نقش مقدس می‌تواند عضو موثری در جامعه باشد و فعالانه در جامعه به کار بپردازد (لطفی، ۱۴۰۰: ۲۶۵-۲۸۹).

از منظر فقه و حقوق موضوعه اشتغال زنان پذیرفته شده است. البته اشتغال زنان در فقه و حقوق تابع شرایطی است. اسلام اساساً اشتغال و کسب درآمد را برای زنان ممنوع نمی‌داند و در اغلب مشاغل زنان را بدون اشکال می‌داند. اشتغال زنان می‌تواند نقش موثری در کمک به اقتصاد خانواده داشته و باعث ارتقاء شرایط اقتصادی خانواده و جامعه شود. به طور کلی بهبود شرایط اشتغال زنان که موجب مشارکت بیشتر آنان در کار و حضور در اجتماع و در نتیجه پیشرفت مادی و معنوی جامعه می‌گردد. (محمدعلی ابراهیم، آقایای بجستانی و امام، ۱۴۰۱: ۴۱-۶۰).

اشتغال زنان و استقلال مالی آن‌ها از موضوعاتی است که در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته و برخی از فقیهان و حقوقدانان معتقدند که قوانین فقهی در این زمینه باید با تغییرات اجتماعی هماهنگ شوند. از سوی دیگر، برخی بر این باورند که این قوانین همچنان باید بر اساس اصول سنتی فقهی حفظ شوند، چرا که نقش زن در خانواده به عنوان مادر و همسر مهم‌ترین مسئولیت اوست.

۴-۷. حقوق کودکان و تربیت فرزندان

در فقه اسلامی، والدین وظایف و حقوق مشخصی در قبال تربیت و نگهداری از فرزندان دارند. اما تغییرات فرهنگی و اجتماعی در دوران معاصر، مسائلی جدید را در زمینه حقوق کودکان به وجود آورده است که گاهی با احکام فقهی سنتی در تضاد است. برای مثال، موضوعاتی مانند آموزش و تربیت مدرن، حقوق کودکان در مسائل خانوادگی، و نحوه رفتار با کودکان در خانواده، از جمله مسائلی است که نیازمند بازنگری از منظر فقهی و هماهنگی با تحولات اجتماعی است. دفتر حمایت از حقوق کودکان مصوب ۱۳۹۹ ایده جدیدی است که در صورت اجرایی شدن مصوبات متناسب می‌تواند نقش مهمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشد (خادمی، جانی پور و جانی پور، ۱۴۰۱: ۱۷۷).

۴-۸. اجتهاد پویا و نیاز به بازنگری در احکام فقهی

تحقق کامل فقه اسلامی و بهره‌گیری پویا از آن رستگاری را به همراه دارد. چرا که تحول و نیازهای زندگی مرتب پیش می‌آید، باید فقیه بتواند به آنها پاسخ دهد و راه حل ارائه کند و قانون دین را بگوید. از این رو باید مقتضیات زمان و مکان، احکام ثابت و متغیر و ... را دریابد و گرنه اجتهاد وی ایستا می‌شود و نه تنها دنیا بلکه آخرت نیز تامین نمی‌گردد (داستانی بیرکی، جعفری نژاد و اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۸۶).

یکی از چالش‌های کلی نهاد خانواده در دوران معاصر، نیاز به اجتهاد پویا در مواجهه با مسائل جدید اجتماعی و حقوقی است. با توجه به تحولات گسترده‌ای که در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رخ داده، برخی از احکام فقهی که بر اساس شرایط جوامع پیشین تدوین شده‌اند، نیازمند بازنگری و تطبیق با شرایط کنونی هستند. اجتهاد پویا به عنوان یک رویکرد در فقه اسلامی می‌تواند راه‌حلی برای پاسخگویی به این چالش‌ها باشد و به همگام‌سازی نهاد خانواده با تغییرات اجتماعی کمک کند.

۴-۹. نتیجه‌گیری این بخش

چالش‌های فقهی که نهاد خانواده در دوران معاصر با آن‌ها روبروست، نشان‌دهنده نیاز به بازنگری و اجتهاد در برخی از مسائل مهم خانوادگی است. از موضوعاتی مانند حقوق زنان و حضانت فرزندان گرفته تا مسائل جدیدی مانند اشتغال زنان و تغییرات در حقوق کودکان، همگی نیازمند

توجه ویژه و هماهنگی بیشتر با تحولات اجتماعی هستند. برخورد پویا و اجتهادی با این مسائل می‌تواند به تقویت و پایداری نهاد خانواده در جامعه معاصر کمک کند.

۵- راهکارهای فقهی برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی خانواده

با توجه به چالش‌های فقهی و اجتماعی که نهاد خانواده در دوران معاصر با آن‌ها مواجه است، ضرورت اتخاذ راهکارهایی جامع و متناسب با شرایط کنونی احساس می‌شود. این راهکارها می‌توانند به بهبود وضعیت خانواده‌ها و تقویت نهاد خانواده در جامعه کمک کنند. در این بخش به مهم‌ترین راهکارهای فقهی برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی خانواده پرداخته می‌شود.

۱-۵. ارتقای سطح آگاهی‌های حقوقی و فقهی

یکی از مهم‌ترین راهکارها، ارتقای سطح آگاهی‌های حقوقی و فقهی در جامعه است. آگاهی از قوانین حقوقی در نظام اجتماعی می‌تواند جهت احیای حقوق و رشد شخصیت افراد موثر باشد و رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی نیز از عوامل مهم اجتماعی شدن و افزایش آگاهی افراد است. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد در مجموع آگاهی حقوقی افراد از حقوق خود در نهاد خانواده بسیار کم است. (قاسمی و عمرانیان، ۱۳۹۱: ۱۲۷-۱۴۰).

آموزش و آگاهی‌بخشی به افراد، به‌ویژه جوانان و زوج‌های آینده، می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا با حقوق و وظایف خود در نهاد خانواده آشنا شوند. برگزاری کلاس‌های آموزشی، کارگاه‌ها و سمینارهای فقهی می‌تواند به افزایش دانش فقهی و حقوقی خانواده‌ها کمک کند و از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کند.

۲-۵. بازنگری در احکام فقهی

بازنگری و اجتهاد پویا در احکام فقهی مرتبط با خانواده، از دیگر راهکارهای اساسی است. فقیهان و مراجع تقلید باید بر اساس شرایط اجتماعی و فرهنگی جدید، به بازنگری در احکام و قوانین مرتبط با نهاد خانواده بپردازند. این بازنگری باید به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی، به نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه پاسخ دهد.

۳-۵. حمایت از حقوق زنان و کودکان

تقویت و حمایت از حقوق زنان و کودکان در خانواده، به‌ویژه در زمینه‌های حضانت، نفقه، و حق

طلاق، می‌تواند از چالش‌های موجود در نهاد خانواده بکاهد. فقه اسلامی باید به گونه‌ای تفسیر و اجرا شود که حقوق زنان و کودکان به‌خوبی رعایت گردد و در مواقع ضروری، حمایت‌های لازم از آن‌ها به عمل آید.

۴-۵. تسهیل در فرآیند طلاق

با توجه به افزایش نرخ طلاق در جامعه، تسهیل در فرآیند طلاق و تعیین شرایط عادلانه برای این موضوع، به کاهش تنش‌ها و مشکلات ناشی از طلاق کمک می‌کند. از جمله این تسهیلات می‌توان به تعیین شروط عادلانه برای حق طلاق و ایجاد سازوکارهایی برای بررسی و رسیدگی به اختلافات خانوادگی اشاره کرد. این اقدام می‌تواند به حفظ کرامت افراد و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از طلاق کمک کند.

سیاست اعلام شده جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی و دیگر اسناد بالادستی، استواری روابط همسری و پیشگیری از طلاق است، با وجود این، سیر تحولات قوانین و مقررات طلاق، جهت گیری «تسهیل طلاق» را نشان می‌دهد. نظام حقوقی ج.ا.ا. از گذشته تاکنون با بهره‌گیری از دو روش تقنینی و قراردادی به سمت آسان‌سازی طلاق پیش رفته است. در روش تقنینی، قوانین طلاق به گونه‌ای اصلاح شد که زوجه آسان‌تر از گذشته می‌تواند طلاق بگیرد. در روش قراردادی، شرایطی ایجاد شده است که زوج در موارد متعدد به همسرش وکالت در طلاق اعطا نماید (هدایت‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۱-۷۷).

۵-۵. ایجاد نهادهای حمایتی و مشاوره‌ای

ایجاد نهادهای حمایتی و مشاوره‌ای به منظور کمک به خانواده‌ها و زوجها در مواجهه با مشکلات و چالش‌های اجتماعی ضروری است. این نهادها می‌توانند به ارائه مشاوره‌های فقهی و حقوقی، آموزش‌های مهارت‌های زندگی، و کمک به حل اختلافات خانوادگی بپردازند. همچنین، این نهادها می‌توانند به زنان و کودکان آسیب‌دیده در خانواده‌ها کمک‌های لازم را ارائه دهند و به بهبود شرایط آن‌ها کمک کنند.

برای نمونه نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد برگزاری جلسات حضوری و گروهی آموزش مهارت‌های زندگی با تأکید بر مشکلات کودکان طلاق، برای خانواده‌ها و کودکان در افزایش سلامت روانی کودکان آنها موثر است (ریبسی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰-۳۷).

۵-۶. ترویج فرهنگ همزیستی و خانواده‌محوری

ترویج فرهنگ همزیستی و خانواده‌محوری در جامعه، می‌تواند به تقویت نهاد خانواده کمک کند. این فرهنگ باید از طریق رسانه‌ها، برنامه‌های آموزشی، و فعالیت‌های اجتماعی ترویج یابد. برگزاری مراسم‌های فرهنگی و مذهبی که به ترویج ارزش‌های خانوادگی می‌پردازند، می‌تواند در ایجاد پیوندهای عاطفی و اجتماعی میان اعضای خانواده مؤثر باشد.

۵-۷. استفاده از فناوری و رسانه‌ها

با توجه به تأثیر روزافزون فناوری و رسانه‌های اجتماعی بر زندگی خانوادگی، لازم است که نهادهای دینی و اجتماعی به بررسی و استفاده بهینه از این ابزارها بپردازند. ایجاد محتوای مناسب و مؤثر در فضای مجازی که به آموزش و ترویج اصول خانوادگی و اخلاقی بپردازد، می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی در خانواده‌ها کمک کند. همچنین، برگزاری وبینارها و دوره‌های آنلاین آموزشی در زمینه‌های فقهی و حقوقی می‌تواند به افزایش آگاهی جامعه کمک کند.

۵-۸. ایجاد قوانین حمایتی و انعطاف‌پذیر

ایجاد قوانین حمایتی و انعطاف‌پذیر در زمینه خانواده، به‌ویژه در حوزه‌های نفقه، حضانت و حق طلاق، می‌تواند به تقویت نهاد خانواده و کاهش تنش‌ها کمک کند. این قوانین باید به گونه‌ای طراحی شوند که حقوق همه افراد خانواده، از جمله زنان، مردان و کودکان، به‌خوبی رعایت گردد و در مواقع بحرانی، امکان ارائه حمایت‌های لازم وجود داشته باشد.

جمهوری اسلامی ایران، به عنوان عرصه تلاقی اسلام و قوانین مدرن، خانواده را واحد بنیادین جامعه و نهادی مقدس می‌داند و به همین لحاظ می‌کوشد از آن حمایت کند. در اصل دهم قانون اساسی آمده است همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌های مربوط به خانواده باید در جهت آسان کردن تشکیل آن، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. تعدد سیاست‌ها، قوانین و لوایحی که در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با نهاد خانواده ارائه شده اند شاهدی بر این ادعاست. بررسی سیاست‌های حقوقی حاکی از به رسمیت شناخته شدن تدریجی تحولات نهاد خانواده است؛ یافته‌ای که استقلال نسبی حوزه حقوقی از حوزه اقدام دولتی را نشان می‌دهد و می‌توان آن را نتیجه ارتباط مستمر حیطه حقوقی با مسائل عینی و انضمامی خانواده‌های امروزی در ایران

دانست. شکل‌گیری چالش‌های حقوقی میان واقعیات اجتماعی موجود با الگوهای حفظ اشکال سنتی نهاد خانواده ناکارآمدی برخی از این قوانین و عدم تناسب آن‌ها با واقعیات جامعه را نشان می‌دهد (حسینی و عزیزی، ۱۳۹۵: ۷-۳۴).

۵-۹. تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی

آموزش مهارت‌های زندگی به زوجها و خانواده‌ها یکی دیگر از راهکارهای مؤثر برای تقویت نهاد خانواده است. این مهارت‌ها شامل مهارت‌های ارتباطی، حل تعارض، مدیریت مالی، و تربیت فرزندان می‌شود. آموزش این مهارت‌ها می‌تواند به بهبود روابط خانوادگی و کاهش بروز مشکلات کمک کند.

۵-۱۰. افزایش همکاری میان نهادهای دینی و اجتماعی

همکاری میان نهادهای دینی، اجتماعی و حقوقی برای حل مشکلات خانواده‌ها و ارائه راهکارهای مؤثر ضروری است. این همکاری می‌تواند شامل تبادل تجربیات، همفکری در زمینه‌های فقهی و حقوقی، و تلاش برای ارتقاء آگاهی عمومی باشد.

۵-۱۱. نتیجه‌گیری این بخش:

راهکارهای فقهی برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی نهاد خانواده نیازمند یک رویکرد جامع و همسو با تحولات اجتماعی است. با ارتقای آگاهی، بازنگری در احکام فقهی، حمایت از حقوق زنان و کودکان، و ترویج فرهنگ خانواده‌محوری، می‌توان به تقویت نهاد خانواده در جامعه کمک کرد. اجرای این راهکارها به نیازهای اجتماعی و فرهنگی پاسخ می‌دهد و می‌تواند بهبود و پایداری نهاد خانواده را در دوران معاصر به دنبال داشته باشد.

۶- نتیجه‌گیری

نهاد خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین ساختارهای اجتماعی، در هر جامعه‌ای نقشی اساسی در شکل‌دهی به روابط انسانی و حفظ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ایفا می‌کند. در ایران، پس از انقلاب اسلامی، این نهاد تحت تأثیر تحولات گسترده‌ای قرار گرفته و با چالش‌های اجتماعی و فقهی متعددی روبرو شده است. این چالش‌ها از جمله تغییرات در الگوهای زناشویی، افزایش

طلاق، نابرابری‌های جنسیتی، و مشکلات حقوقی و فقهی مرتبط با حضانت و نفقه، نیازمند توجه و اقدامات فوری هستند.

در این راستا، بررسی چالش‌های اجتماعی و فقهی نهاد خانواده نشان می‌دهد که بسیاری از این مسائل ناشی از ناهماهنگی میان احکام فقهی و نیازهای اجتماعی و فرهنگی جدید است. از این رو، نیاز به اجتهاد پویا و بازنگری در احکام فقهی احساس می‌شود تا ضمن حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی، به نیازهای متغیر جامعه پاسخ داده شود.

راهکارهای ارائه‌شده در این مقاله، از جمله ارتقای آگاهی‌های حقوقی و فقهی، بازنگری در احکام فقهی، و حمایت از حقوق زنان و کودکان، می‌تواند به تقویت نهاد خانواده کمک کند. همچنین، ایجاد نهادهای حمایتی و مشاوره‌ای، تسهیل در فرآیند طلاق، و ترویج فرهنگ خانواده‌محوری از دیگر اقدامات ضروری در این زمینه هستند.

با توجه به اهمیت نهاد خانواده در سلامت اجتماعی و روانی جامعه، اتخاذ این راهکارها نه تنها به بهبود وضعیت خانواده‌ها کمک می‌کند، بلکه به تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز منجر می‌شود. بنابراین، ضروری است که تمامی نهادهای مربوطه از جمله نهادهای دینی، حقوقی، و اجتماعی در جهت ارتقاء و بهبود نهاد خانواده همکاری کنند و به دنبال راه‌حلهایی موثر و پایدار برای چالش‌های موجود باشند.

در نهایت، تقویت نهاد خانواده به عنوان یکی از ارکان اساسی جامعه، نیازمند توجه جدی و همکاری میان همه ارکان جامعه است. تنها از طریق همیاری و همفکری می‌توان به پایداری و تحکیم نهاد خانواده در دوران معاصر دست یافت و آینده‌ای روشن برای نسل‌های آینده تضمین کرد.

منابع

احمدی فر، رسول، و کاکاوند، محمد (۱۴۰۰). مطالعه و بررسی امکان صدور مجوز تعدد زوجات زوج بعد از تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱. فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۲۶(۷۵)، ۲۳۵-۲۵۵.

اخلاق پسند، معصومه، ابن تراب، مریم، و سجادی، سیدحسین (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی جایگاه خانواده در حقوق شهروندی، اسلام و کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۵(۵۶)، ۱۰۴-۸۳.

بهنام، جمشید. (۱۳۵۶) ساختار خویشاوندی در ایران. تهران: نشر خوارزمی. چاپ سوم.

جعفرزاده پور، فروزنده (۱۴۰۰). ساختار قدرت و رابطه آن با ناپایداری خانواده (مطالعه ملی در جامعه ایرانی) محورهای موضوعی: مسائل اجتماعی و آسیب‌های مرتبط با زنان و خانواده. پژوهش مسائل اجتماعی ایران، ۱(۲)، ۱۳۹-۱۰۹.

حسینی، حاتم، صادقی، رسول، و رضایی، اردشیر (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران. توسعه محلی روستایی - شهری (توسعه روستایی)، ۱۱(۱)، ۱۷۲-۱۴۷. حسینی، سیدحسین، و عزیزی، مینا (۱۳۹۵). بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران. مطالعات زن و خانواده، ۴(۱) (پیاپی ۷)، ۳۴-۷.

حسینیان، سیمین (۱۳۸۲). مقایسه و ارتباط سلامت روانی فرزندان و مادرانی که حضانت فرزندان را دارند با فرزندان و مادرانی که حضانت فرزندان از آن‌ها سلب شده است. مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان)، ۱(۲)، ۱۵۳-۱۶۸.

خادمی، صادق، جانی پور، علی، و جانی پور، کرم (۱۴۰۱). بررسی قوانین و مقررات کیفری کودکان و نوجوانان در حقوق ایران و تاثیر آن بر کاهش آسیب‌های اجتماعی. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۱۴(۴)، ۱۹۳-۱۷۷.

خبرگزاری تسنیم. (۱۳۹۴/۶/۲۱) آمار طلاق در شمال تهران به مرز ۶۰ درصد رسید. مصاحبه با مدیر کل آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور. شناسه خبر: ۸۵۶۳۱۳

داستانی بیرکی، علی، جعفری نژاد، مسعود، و اسماعیلی، بشیر (۱۴۰۱). فقه پویا (سیاسی) و کارآمد، قلمرو نوآوری امام. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۱۳(۱)، ۸۵-۱۱۲.

ذوعلم، علی (۱۳۸۴) تاملی در مفهوم «چالش» واژه «چالش» در ادبیات اجتماعی - فرهنگی ایران، زمانه، سال چهارم، شهریور ۱۳۸۴، شماره ۳۶، ۳۴ - ۳۷.

رحمتی، حسینعلی (۱۳۹۶). ضعف سواد خانواده در استفاده از فضای مجازی و پیامدهای اخلاقی آن. مطالعات اخلاق کاربردی (اخلاق)، ۷(۲۸) (پیاپی ۵۰)، ۳۶-۱۱.

ریبسی، رویا، گنجی، فروزان، شاه مرادی، رضوان، مردان پور شهرکردی، الهام، شمیم، آلبرت، نکویی، افسانه، فانیان، نسرین، و نیک فرجام، مسعود (۱۳۹۱). تاثیر جلسات مشاوره حضوری آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان فرزندان خانواده‌های طلاق. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد (Journal of Shahrekord University of Medical Sciences), 14(4), 30-37.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۶)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش. صفایی، سید حسین؛ امامی، اسد الله (۱۳۹۶) حقوق خانواده، تهران: دانشگاه تهران.

- عابدی، محمد، و امینی، اعظم (۱۴۰۰). حق طلاق زنان: حکم شرعی، ضرورت حقوق بشری. حقوق بشر، ۱۶ (پیاپی ۳۱)، ۲۳۴-۲۱۷.
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۲). چالش‌های خانواده معاصر و نوگرایی با تاکید بر طلاق در فرآیند گذار جمعیتی. مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)، ۴(۲)، ۱۲۹-۱۰۵.
- قاسمی، شهاب‌الدین، پورخاقان شاهرضایی، زینب، و رئیسی، لیلا (۱۴۰۱). جهانی شدن موازین حقوق بشر و آثار آن در نظام حقوقی ایران. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۵(۵۶)، ۱۵۱-۱۷۱.
- قاسمی، وحید، و عمرانیان، فاطمه (۱۳۹۱). سنجش آگاهی‌های حقوقی زنان از قوانین خانواده بر اساس فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان). زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۰(۲ (پیاپی ۳۷))، ۱۴۰-۱۲۷.
- لطفی، علیرضا (۱۴۰۰). بررسی اشتغال زنان از منظر قرآن و حدیث. مطالعات قرآنی (فدک، فصلنامه دین پژوهی و کتابشناسی قرآنی)، ۱۲(۴۶)، ۲۶۵-۲۸۹.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۹۸۳ م). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدعلی ابراهیم، نیره، آقایی بجستانی، مریم، و امام، سیدمحمدرضا (۱۴۰۱). اشتغال زن در اقتصاد خانواده از نگاه فقه و حقوق موضوعه. مطالعات فقه اقتصادی، ۴(۲)، ۶۰-۴۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج آمارگیری نیروی کار، مرکز آمار ایران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). نظام حقوق زن در اسلام؛ تهران: صدرا.
- میر سلیم، سید مصطفی و خورمهر، کاظم (۱۳۸۹). جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- میلانی، محسن (۱۳۸۳). شکل‌گیری انقلاب اسلامی (از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی) (ترجمه مجتبی عطار زاده)، تهران: گام نو.
- هدایت‌نیا، فرج‌اله (۱۳۹۴). تسهیل طلاق یا طلاق زدایی در حقوق خانواده ایران. حقوق اسلامی، ۱۲(۴۷)، ۷۷-۵۱.
- یزدانی، عباسعلی؛ دوستی، سیمین (۱۳۹۴). اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، ۷۵-۱۰۰.